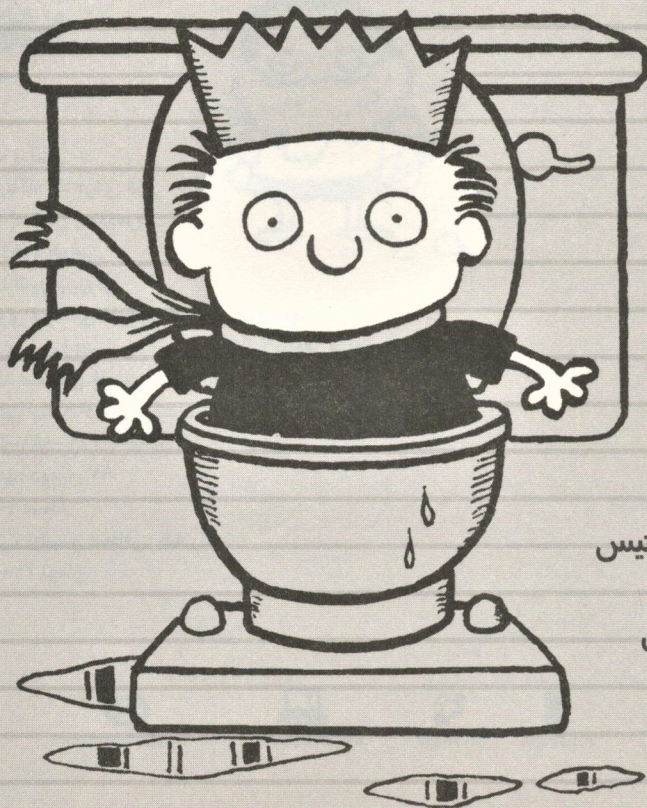


دزدی
قرن

نیمه کتابخانه

جلد چهارم



نویسنده

استیوان پستیس

مترجم

زهره خرمدی

یک مقدمه‌ی حیرت‌آور!

که اگر همه چیز خوب پیش برود، شما را

ترغیب می‌کند ادامه‌ی این کتاب را بخوانید.

همه‌ی ما وقتی نتوانیم آدم‌های خوب را از بد تشخیص بدهیم، توی دردسر می‌افتیم.

این را به آن عکاس‌هایی بگویید که ورودی هتل را دوره کرده‌اند. به آن جماعت تماشاچی که مُدام سرک می‌کشند ببینند چه خبر است. و به پلیس‌هایی که بیخودی تلاش می‌کنند راه را باز کنند؛ راهی برای عبور آدم‌بده‌ی داستان. که رأس ساعت ۹:۰۷ از درهای شیشه‌ای گردان هتل، به‌طرف جایی بُرده می‌شود که نور کورکننده‌ی فلائش دوربین‌ها، بیداد می‌کند. فلاش‌هایی که باعث می‌شوند تا چند دقیقه‌ی بعد، همچنان یک دایره‌ی نورانی در مرکز دیدش باقی بماند.

و دیدن چهره‌ی جمعیت را برای او غیرممکن کند.

یک پلیس، عکاسی را هُل می‌دهد...

یک نفر فریاد می‌کشد...

و زنی غش می‌کند.

پلیس‌ها آدم‌بده را به داخل جمعیت هُل می‌دهند.

دست‌هایش را دستبند زده‌اند.

او پاهایش را روی زمین می‌کشد و جلو می‌رود.